

## تطبیق نظریه کالاهای عمومی با نظریه حسبه در فقه امامیه

هادی حاجزاده<sup>۱</sup>

چکیده:

نظریه کالاهای عمومی، نظریه‌ای است اقتصادی که با معرفی نوع خاصی از کالاها، به بررسی عملکرد بازار در مورد این کالاها و نقش دولت در تأمین و ارائه آنها می‌پردازد. به این نظریه در کتاب‌های اقتصاد بخش عمومی تا حدودی پرداخته شده است اما تاکنون نگاه حقوقی و فقهی به ابعاد این نظریه صورت نگرفته است.

برای آن که به جایگاه نظریه کالاهای عمومی در فقه امامیه پی ببریم و نسبت آن را با نظریه حسبه در اسلام کشف کنیم، لازم است تا در ابتدا تصویری صحیح و دقیق از نظریه کالاهای عمومی داشته باشیم و سپس به مفهوم حسبه و اقسام آن از منظر فقهای امامیه بپردازیم تا از این رهگذر، بتوانیم نشانه‌های این نظریه را در فقه امامیه بیابیم.

در این تحقیق، ضمن بررسی این موضوعات، به این نتیجه خواهیم رسید که معیار کلی‌ئی که برای امور حسبه در لسان غالب فقیهان شیعی بیان شده است، قرابت‌ها و مشابهت‌هایی با نظریه کالاهای عمومی و ملاک مندرج در آن دارد.

**واژگان کلیدی:** نظریه کالاهای عمومی، امور حسبه، دولت، وظایف حاکمیتی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع).

## ۱- معنا و مفهوم کالاهای عمومی

بدیهی است پیش از تشریح و توضیح معنا و مفهوم «کالاهای عمومی» ناگزیر از تعریف لغوی و اصطلاحی «کالا» بوده و برای تبیین بیش‌تر مفهوم این واژه ترکیبی دانش اقتصاد باید انواع کالا را دانست. سپس در باب معنا و مفهوم «کالاهای عمومی»، ویژگی‌ها و انواع آن وارد بحث شد.

### ۱-۱- مفهوم کالا

کالا در فرهنگ لغت عبارت‌است از اسباب خانه، متاع و مال‌التجاره.<sup>۱</sup>

به‌طور کلی کالا را از جنبه‌های مختلفی می‌توان تعریف کرد:<sup>۲</sup>

۱- نوع خاصی ماده خام یا محصول مانند چای، قهوه، پشم، پنبه، لاستیک و....

۲- در اقتصاد خرد یا نظریه قیمت،<sup>۳</sup> کالا اسم عامی است که به محصولات مادی و خدمات، یعنی موضوعات اساسی تولید و مبادله اطلاق می‌شود. به گفته مارکس، در نظام سرمایه‌داری، محصولات اساساً ویژگی کالا را دارند؛ چون برای فروش و در نتیجه تحصیل سود تولید می‌شوند. بدین ترتیب زغال‌سنگ، بستنی و خدمات یک تعمیرکار، همگی «کالا» محسوب می‌شوند.

۳- در اقتصاد مارکسیستی کالا به شیئی اطلاق می‌شود که علاوه بر ارزش مصرفی، دارای ارزش مبادله‌ای نیز باشد.

به‌طور کلی، کالا در اقتصاد هر آن چیزی است که تولید آن در جهت رفع نیاز و ایجاد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. معین، محمد، فرهنگ معین، انتشارات زرین، تهران، بهار ۱۳۸۶، چ. ۲، ص. ۱۱۶۶.

۲. مردیدی، سیاوش؛ نوروزی، علیرضا، فرهنگ اقتصادی، مؤسسه کتاب پیشبرد و انتشارات نگاه، ۱۳۷۳، چ. اول، صص. ۵۸۰ و ۵۸۱.

۳. نظریه قیمت، بخشی از علم اقتصاد است که به تحلیل راه‌های تعیین قیمت در اقتصاد بازار آزاد و نقش آن در تخصیص منابع مربوط می‌شود. به این مبحث، اقتصاد خرد نیز می‌گویند. (رک.: مردیدی، همان، ص. ۷۷۳).

مطلوبیت و به عبارتی دارای فایده باشد.<sup>۱</sup> بنابراین از منظر اقتصادی، کالایی مطلوب و دارای فایده است که برای آن، تقاضای مؤثر وجود داشته باشد و مردم حاضر باشند در قبال آن پول پرداخت کنند. توجه به این عبارت که «مردم حاضر باشند در قبال چیزی پول پرداخت کنند» و نه این که «در قبال آن پول پرداخت کنند» می‌تواند نقطه اتصال کالاهای عمومی به تعریف کلی اقتصاد از کالا باشد. به عبارت دیگر، در تعریف اقتصاد از کالا بیان شده است که برای مردم فایده و مطلوبیت دارد و لذا اگر به رایگان هم در اختیار مردم قرار نگیرد، مردم حاضرند در قبال آن پول پرداخت کنند. بنابراین - و همان طور که در ادامه خواهیم دید - کالاهای عمومی به درستی در تعریف اقتصادی کالا قرار دارند؛ هرچند که برخی از مصادیق آن‌ها را نتوان به راحتی در دایره تلقی عرفی از کالا گنجانید. چه این که - همان گونه که در معنای لغوی کالا بیان شد - مفهوم عرفی کالا عموماً بر اموری مادی و عینی منطبق است و لذا نسبت به مفهوم اقتصادی آن، مضیق تر می‌باشد. به عبارت دیگر، کالا در معنای عرفی آن مترادف با «جنس» است و لذا دو واژه «جناس و کالاها» معمولاً همراه با هم به کار می‌روند. درحالی که کالا در مفهوم اقتصادی، می‌تواند امور غیرمادی یا خدمات را نیز شامل شود. مثلاً این که افراد حاضرند برای امنیت، آسایش، تفریح و لذت‌های خود هزینه کنند، باعث می‌شود که اقتصاددانان این امور را در زمره «کالا»ها به حساب بیاورند؛ در حالی که از دیدگاه عموم، این امور کالا محسوب نمی‌شود.

#### ۱-۲- انواع کالا

در نگاه اول، کالاها به دو دسته کلی قابل تقسیم هستند: کالاهای رایگان و کالاهای اقتصادی.

کالاهای رایگان، کالاهایی هستند که به دلیل فراوانی و نیز تولید رایگان، همگی مردم

۱. محتشم دولتشاهی، طهماسب، مبانی علم اقتصاد، انتشارات خجسته، تهران، تابستان ۱۳۷۰، چ. اول، ص. ۲۲.

بدون هیچ هزینه و کوششی می‌توانند بدون محدودیت، آن‌ها را مصرف کنند. آب، هوا و آفتاب نمونه‌های بارز چنین مفهومی هستند.<sup>۱</sup>

در مقابل، کالاهایی که در تولید و عرضه آن‌ها محدودیت وجود دارد را «کالاهای اقتصادی» می‌گویند.<sup>۲</sup> کالاهای اقتصادی، خود، به انواع مختلفی قابل تقسیم است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

#### الف - کالاهای مادی و کالاهای غیرمادی (خدمات):

بیان شد که کالاهای مادی، کالاهایی هستند از قبیل قهوه، پنبه، لاستیک، اتومبیل و... و کالاهای غیرمادی یا خدمات ناشی از کار انسان است که در جهت تأمین نیازهای بشری انجام می‌شود از قبیل خدمات مشاوره‌ای، تعمیرگاهی و...

#### ب - کالاهای مصرفی و کالاهای سرمایه‌ای (تولیدی):

کالاهایی را که مستقیماً به مصرف می‌رسند، «کالاهای مصرفی» و کالاهایی را که در روند تولید کالاهای دیگر به کار برده می‌شود و به‌طور غیرمستقیم به مصرف می‌رسند، «کالاهای سرمایه‌ای» می‌نامند.

#### ج - کالاهای مکمل و کالاهای جایگزین:

کالاهای مکمل، کالاهایی هستند که به موازات یکدیگر مورد تقاضا واقع می‌شوند. مثلاً اتومبیل و لاستیک دو کالای مکمل محسوب می‌شوند. در مقابل، کالاهای جایگزین، کالاهایی هستند که بتوانند به جای یکدیگر مورد استفاده قرار گیرند مانند کبریت و فندک.<sup>۳</sup>

#### د - کالاهای تجملی و کالاهای پست:

کالای تجملی، کالایی است که همراه با افزایش درآمد مصرف‌کننده، سهم بیش‌تری صرف خرید آن می‌شود و کالای پست، کالایی است که همزمان با افزایش درآمد مصرف‌کننده،

۱. مردیدی، همان، ص. ۵۸۳.

۲. محتشم دولتشاهی، همان، ص. ۲۲.

۳. همان، ص. ۲۳.

مصرف آن کاهش می‌یابد مانند چراغ نفتی که با افزایش درآمد، تقاضا برای آن کاهش می‌یابد یا خدمات اعانه‌ای دولت که با بالا رفتن سطح زندگی، تقاضا برای آن‌ها کاهش می‌یابد.

#### ۵- کالاهای مشترک<sup>۱</sup> و کالاهای گروهی<sup>۲</sup>:

کالاهای مشترک، کالاهایی هستند که برای همه اعضای یک جامعه در دسترس و سودمند هستند مانند ماهی‌های یک رودخانه، رودخانه‌ها و غیره. کالاهای انجمنی یا گروهی، کالاهایی است که می‌توان در آن‌ها به گزینش و شناسایی مصرف‌کنندگان دست زد مانند تلویزیون‌های کابلی یا برنامه‌های دیجیتال که دارای کد مخصوص می‌باشد و یا سینما. این کالاها حالتی بینابین میان کالاهای عمومی صرف و کالاهای خصوصی هستند؛ به این معنا که در استفاده از آن‌ها محدودیت امکان‌پذیر است اما این محدودیت در برگیرنده یک گروه است.<sup>۳</sup>

#### و- کالاهای خصوصی و کالاهای عمومی:

کالای خصوصی، کالایی است که مصرف آن با رقابت همراه باشد و تولیدکننده و مصرف‌کننده آن بر پایه کنارنهادن سایر رقبا عمل کنند. ویژگی نخست به این معناست که مصرف آن از سوی یک فرد، موجب کاهش مقدار آن برای دیگران می‌شود. ویژگی دوم نیز به معنای محدودکردن مصرف کالا به افرادی است که حاضر به پرداخت قیمت آنند. هرگاه کالایی دارای چنین ویژگی‌هایی باشد، مبادله آزاد و کارکرد بازار تحقق یافته است و هرگاه امکان کنارنهادن برخی افراد از مصرف این کالاها وجود نداشته باشد، بازار نیز عملکردی نخواهد داشت. همچنین فقدان رقابت مبین آن است که کالاها باید به‌رایگان در اختیار همگان قرار گیرد.<sup>۴</sup>

1. Common goods.

2. Club goods.

3. [http://en.wikipedia.org/wiki/common\\_goods](http://en.wikipedia.org/wiki/common_goods).

۴. مردیدی، همان، ص. ۵۸۳.

کالاهای عمومی، کالاهایی است که جلوگیری از مصرف آن توسط یک فرد، منوط به محرومیت دیگران از مصرف همان کالا باشد. چنین کالایی لزوماً باید در اختیار همگان قرار گیرد. مثلاً نمی‌توان هیچ‌کس را از روشنایی خیابان‌ها و خدمات دفاع ملی و پلیس محروم کرد. به همین دلیل است که یک بنگاه اقتصادی نمی‌تواند به عرضه چنین کالاها و خدماتی اقدام کند. زیرا هم قدرت وادار کردن تمام مردم برای پرداخت هزینه‌های مزبور را ندارد و هم نمی‌تواند کسی را به دلیل خودداری از پرداخت هزینه‌ها، از مصرف کالا و خدمت عرضه‌شده، محروم سازد. تنها دولت است که به پشتوانه درآمدهای مالیاتی خود می‌تواند عهده‌دار انجام چنین اموری شود.<sup>۱</sup>

## ۲- ویژگی‌های اساسی کالاهای عمومی

همان‌گونه که ملاحظه شد، در منابع مختلف در تعریف کالاهای عمومی در واقع ویژگی‌های اصلی این کالاها مورد توجه قرار می‌گیرد و لذا لازم است تا ویژگی‌های مهم و اساسی این کالاها به صورت دقیق‌تری مورد بررسی قرار گیرد.

### ۱- رقابت‌ناپذیری<sup>۲</sup>

یکی از ویژگی‌های کالاهای معمولی یا خصوصی این است که مصرف هر فرد در حقیقت رقیبی برای مصارف دیگران از یک کالا محسوب می‌شود. به این معنا که اگر یک نفر یک کالای معمولی را مورد استفاده قرار دهد، این استفاده، مانع از این می‌شود که افراد دیگر بتوانند از آن کالا - لااقل در همان زمان - بهره‌مند شوند. به عنوان مثال، یک لباس، یک کالای خصوصی یا معمولی تلقی می‌شود. چراکه استفاده از آن از سوی یک فرد، مانع از این می‌شود

۱. مردیدی، همان، صص. ۵۸۳ و ۵۸۴.

2. Non-rivalness.

که دیگران بتوانند از آن استفاده کنند.<sup>۱</sup>

در مقابل، کالاهای اجتماعی یا عمومی از ویژگی رقابت‌ناپذیری برخوردارند. به این معنا که مصرف آن‌ها از سوی یک فرد، مانع از مصرف دیگران نخواهد شد مانند استفاده‌ای که همگان از روشنایی چراغ‌های برق خیابان دارند.<sup>۲</sup> به بیان دیگر، می‌توان گفت منافع حاصل از مصرف کالاهای اجتماعی برای هر مصرف‌کننده، حاشیه‌ای<sup>۳</sup> است. درحالی‌که منافع حاصل از مصرف کالاهای خصوصی، ذاتی<sup>۴</sup> است.<sup>۵</sup>

بنابراین، این ویژگی در واقع، یک ویژگی مصرفی است. زیرا مصرف یک نفر، مانع مصرف دیگران نمی‌شود (در مقابل ویژگی استثناپذیری که یک ویژگی تولیدی است).

به عبارت دیگر، اگر مصرف یک فرد از یک کالا، کمیت و کیفیت برخورداردی دیگران از آن کالا را تحت تأثیر قرار ندهد، آن کالا واجد وصف رقابت‌ناپذیری است.

رقابت‌پذیری هم‌چنین این معنا را متبادر می‌کند که اضافه شدن مصرف‌کنندگان جدید باعث افزایش هزینه‌های تولید شود (مثال نقض آن در مورد تماشای یک فیلم سینمایی است که هر چه افراد تماشاکننده آن بیش‌تر شوند بر هزینه‌های فیلم تأثیری ندارد).

### ۲-۲- استثنای پذیرد

وجه دیگر تمایز کالاهای عمومی از کالاهای خصوصی، استثنای پذیرد این کالاها است که یک ویژگی تولیدی محسوب می‌شود. بر اساس این ویژگی، وقتی یک کالای عمومی - حتی

۱. گریگوری، منکیو، نظریه اقتصاد خرد، ترجمه: ارباب، حمیدرضا، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸، چ. اول، ص. ۲۵۸.

۲. [http://en.wikipedia.org/wiki/Public\\_goods](http://en.wikipedia.org/wiki/Public_goods).

۳. externalized.

۴. Internalized.

۵. رک: جیروند، عبدالله، برداشتی از مالیه عمومی جدید، تهران، انتشارات مولوی، ۱۳۶۸، چ. ۲.

6. non-excludability.

برای یک نفر - تولید و عرضه شد، بدون تردید برای تمام افرادی که امکان استفاده از آن را دارند نیز فراهم خواهد بود و مردم را نمی‌توان در بهره‌گیری از آن‌ها مستثنا کرد.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، استثنانپذیری به این معناست که نمی‌توان فرد یا افرادی را به هر بهانه‌ای (از قبیل عدم پرداخت هزینه تولید کالای عمومی) از مصرف آن کالا محروم کرد مانند امنیت عمومی که همگان از آن برخوردار می‌شوند. این ویژگی کالاهای عمومی سبب می‌شود تا افراد به سمت «سواری مجانی گرفتن»<sup>۲</sup> سوق پیدا کنند و با فرار از پرداخت هزینه‌های تولید کالاهای عمومی، از مواهب آن برخوردار شوند و لذا اجرای سیاست‌های قیمت‌گذاری، به واسطه وجود این عامل غیرممکن می‌شود و در نتیجه مکانیسم بازار از تولید آن‌ها باز می‌ماند.

اگر کالایی که برای یک نفر فراهم شده، بدون هیچ هزینه دیگری، برای دیگران نیز قابل استفاده باشد، آن کالا واجد وصف استثنانپذیری است.

### ۳- انواع کالاهای عمومی

برای آن که درک روشن‌تر و واضح‌تری از مصادیق کالاهای عمومی داشته باشیم و این مفهوم را بهتر و به‌درستی بشناسیم، ناگزیر از بیان تقسیم‌بندی‌های مختلفی که برای کالاهای عمومی قابل تصور است، بوده و باید موارد و مصادیق آن‌ها، تا حد ممکن، احصا شود. به‌طور کلی کالاهای عمومی در این موارد قابل شناسایی است:

- **کالاهای عمومی محض:** گفتیم که کالاهای عمومی، کالاهایی هستند که دو ویژگی را در خود نهفته دارند؛ رقابت‌ناپذیری و استثنانپذیری. وجود کامل هر دوی این ویژگی‌ها در یک کالا باعث می‌شود که ما آن کالا را یک «کالای عمومی محض»<sup>۳</sup> بدانیم. مثال بارز این نوع

۱. ویکی‌پدیا، همان.

2. Free ride.

3. Pure Public goods.



کالاها، دفاع ملی است. اگر از يك فرد ساکن در يك منطقه جغرافیایی در مقابل حمله خارجی دفاع صورت گیرد، احتمالاً از سایر افراد آن منطقه نیز دفاع خواهد شد. این امر باعث می‌شود کسب هزینه از افراد بابت ارائه خدمت دفاعی به آنها سخت شود که به این معنا خواهد بود که این کالا با مشکل کلاسیک سواری مجانی مواجه است. به واقع، تقریباً همه‌ی اقتصاددان‌ها اعتقاد دارند که تنها روش تأمین میزان کافی دفاع آن است که دولت، این کار را انجام دهد و هزینه آن را از محل مالیات‌ها تأمین کند.<sup>۱</sup>

در مقابل کالاهای عمومی محض، کالاهای خصوصی محض وجود دارد که دقیقاً - به عکس - هر دو ویژگی رقابت‌پذیری و استثناپذیری را به‌طور کامل دارند. در مجموع، کالاهای عمومی محض، موارد بسیار کم و نادری را در بر می‌گیرد.

**- کالاهای عمومی ناخالص<sup>۲</sup>:** آن‌هایی هستند که استثناپذیری یا رقابت‌ناپذیری آن‌ها

تأحدودی محدود است مانند امکان استفاده از سیستم حمل‌ونقل عمومی که هم فضای آن محدود است (تعداد افراد مشخصی، از یک اتوبوس - در آن واحد - می‌توانند استفاده کنند) و هم امکان سواری مجانی در آن‌ها کنترل شده است. در واقع، این کالاها از یک طرف، ویژگی‌های کالاهای عمومی را دارند و از طرف دیگر، تأحدودی، خصوصی هستند.

**- کالاهای عمومی مستقیم:** آن‌هایی هستند که مستقیماً به افراد جامعه ارائه می‌شود و

۱. رک: روزنامه دنیای اقتصاد، تایلر، کوئن، کالاهای عمومی، مترجمان: الحسینی، محمدصادق؛ رنجبر، محسن.  
 ۲. به این کالاها، کالاهای مختلط نیز گفته می‌شود. در اقتصاد، کالای مختلط، کالایی است که نفع مصرف آن را نه صرفاً به یک فرد بتوان اختصاص داد و نه به‌طور مساوی به عموم. بدین‌سان، کالای مختلط میان دو حد کالاهای خصوصی و کالاهای عمومی قرار دارد و از ویژگی هر دوی آن‌ها برخوردار است. یعنی نه یک کالای خصوصی رقابتی است که مصرف آن از سوی یک فرد، مستلزم محرومیت دیگران باشد و نه یک کالای عمومی غیررقابتی است که همگان بتوانند به‌طور مساوی آن را به مصرف برسانند. مثلاً واکسیناسیون یک کالای مختلط است. زیرا هم از راه کاهش خطر بیماری برای عموم به تمامی جامعه نفع می‌رساند و هم نفع آن به افراد می‌رسد، هرچند که یکسان از آن منتفع نشوند. (مردیدی، همان، ص. ۵۸۵).

بلاواسطه در اختيار مصرف‌کننده نهائى قرار مى‌گيرد.

- **كالاهاى عمومى واسطه‌اى:** آن‌هاى است كه نتيجه و نفع آن به‌طور غيرمستقيم عايد جامعه مى‌شود و به‌عبارتى در فرآيند توليد، مورد استفاده قرار مى‌گيرند مانند ايجاد امنيت اقتصادى و سرمايه‌گذارى.<sup>۱</sup>

- **كالاهاى عمومى ذاتى:** كالاهاى هستند كه عمومى بودن در ذات آن‌ها نهفته است و اساساً هدف از توليد آن‌ها، ايجاد يك كالائى عمومى است كه همگان از آن‌ها بهرمنند شوند.

- **كالاهاى عمومى تبعى** (كالاهاى خصوصى كه ديگران هم از آن‌ها بهرمنند مى‌شوند): كالاهاى عمومى تبعى، آن‌هاى هستند كه اساساً توسط يك فرد براى استفاده محدود و شخصى توليد مى‌شود اما ديگران نيز از مزايى و منافع آن بهرمنند مى‌شوند؛ مانند گلهاى خوش‌بوى كه يك فرد در باغچه خانه خودش مى‌كارد و همسايگان نيز از آن بهرمنند مى‌شوند و يا قطعه شعرى كه يك شاعر مى‌سرايد.

اصولاً براى آن كه يك كالا، عمومى محسوب شود، ضرورتى ندارد كه آن كالا الزاماً توسط بخش عمومى يا دولتى توليد شده باشد.

- **كالاهاى عمومى جهانى:** در دنيايى كه در حال يكي‌شدن و جهاني‌سازى است، مشكلات و راه‌حل‌هاى آن‌ها از مرزهاى مللى عبور كرده و به‌طور فزاينده‌اى نيازمنند يك اقدام جمعى بين‌المللى است. در سال‌هاى اخير، مفهوم كالاهاى عمومى جهانى، بخش مهمى از خط‌مشى‌هاى بين‌المللى را به خود اختصاص داده است. اين مفهوم، حتى اخيراً، در دستور جلسات نهادهاى سازمان ملل، بانك جهانى و سازمان‌هاى غيردولتى پديدار شده است. هر فردى به كالاهاى عمومى وابسته است. نه بازارها و نه ثروتمندترين افراد نمى‌توانند كارى بدون

1. <http://utec.ut.ac.ir/files/coursedemos/microeconomics.ppt>.

2. Global Public Goods (GPGs).

آن‌ها انجام دهند. محیط زیست پاک، بهداشت، علم، حقوق مالکیت، صلح و امنیت مثال‌هایی از کالاهای عمومی هستند که می‌توانند به صورت جهانی تولید (و عرضه) شوند.<sup>۱</sup>

به عبارت دیگر، کالاهای عمومی جهانی، کالاهایی است که منافع آن توسط همه دولت‌ها و مردم آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. به محض این‌که این کالاهای جهانی تولید شدند، برای همه حکومت‌ها در دسترس خواهند بود و مصرف این کالاها از سوی یک دولت یا مردم آن به هیچ‌وجه قابلیت دسترسی دیگران را کاهش نمی‌دهد. این کالاها همچنین مواردی از قبیل تأمین ثبات اقتصادی، اکتشافات علمی که منجر به کشف یک واکنش می‌شود و نیز مقررات بین‌المللی برای هوانوردی ملی و ارتباطات از راه دور را شامل می‌شود.<sup>۲</sup>

این مفهوم از این جهت که به شدت آکادمیک و انتزاعی است، مورد انتقاد واقع شده است. همچنین مسائلی که در پیرامون این مسأله بدون پاسخ مانده است، مربوط به جنبه‌های مالی و چگونگی تهیه کالاهای عمومی جهانی است.<sup>۳</sup>

#### ۴- تطبیق نظریه کالاهای عمومی با نظریه حسبیه در اسلام

##### ۴-۱- طرح بحث

پس از بررسی مفهوم کالاهای عمومی و پیشینه آن، در این بخش در پی بررسی نهاد و کارکرد مشابه این مفهوم در فقه خواهیم بود تا ببینیم در فقه اسلامی آن دغدغه‌ای که باعث شکل‌گیری این نظریه شده است، به چه نحو و ترتیب بروز و ظهور یافته است.

1. Inge Kaul, Isabelle Grunberg and Marc A. Stern, GLOBAL PUBLIC GOODS, Oxford University Press, 1999.

2. Ernesto Zedillo and Tidjane Thiam, International Cooperation in the National Interest, International Task Force on Global Public Goods, Stockholm, Sweden, 2006.

۳. برای اطلاعات بیشتر تر رک.:

Peter J. Burnell, International democracy promotion: a role for public goods Theory, 2008, <http://dx.doi.org/>

ارنست اولریش فن وایزشکر و دیگران، محدودیت‌های خصوصی‌سازی، ترجمه؛ صفار، محمد، نشر رسانش (به سفارش سازمان خصوصی سازی)، تهران، بی‌تا، چ. اول، ۶۸۳۱ ص. ۴۱۵ به بعد.

با مطالعه در متون فقهى و اسلامى (همان گونه كه در ادامه اين تحقيق صورت خواهد گرفت) مشخص مى شود كه در اين متون به جاى آن كه تعريفى از دولت ارائه شود، وظايف و كاركردهاى دولت مورد توجه و بحث قرار گرفته است.<sup>۱</sup> از اين سياق مى توان اين نتيجه را گرفت كه مذاق شريعت در مورد دولت، بيش از آن كه بر وجود يك نهاد سياسى حاكم استوار باشد، بر انجام و تحقق برخى امور استوار است و هرچه اين وظايف بدون وجود و حضور دولت تحقق پذيرد، از دايره و حجم دولت كاسته خواهد شد.

به عبارت ديگر، اندازه دولت اسلامى را حجم وظيفه ها و مسئوليت هاى دولت تعيين مى كند و حجم وظيفه ها و مسئوليت هاى دولت نيز به دو عامل مهم بستگى دارد:

*الف) ميزان پايبندى مردم به مسئوليت هاى خود:* وقتى «آزادى همراه با مسئوليت مردم»<sup>۲</sup> را در کنار وظيفه ها و مسئوليت هاى دولت اسلامى مى گذاريم، ملاحظه مى كنيم بين اين دو، نوعى تعامل وجود دارد. هر چه مردم به مسئوليت هاى خود بيش تر عمل كنند، وظيفه ها و مسئوليت هاى دولت كم تر مى شود و هرچه كم تر عمل كنند، وظيفه ها و مسئوليت هاى دولت بيش تر مى شود.

*ب) وضعيت داخلى و خارجى کشور:* وضعيت هر زمان در حجم مسئوليت ها و وظيفه هاى دولت مؤثر است. به طور مثال، اگر کشور از نظر اقتصادى در ركود باشد يا با محاصره اقتصادى روبه رو شود يا درگير جنگ باشد يا حوادث غيرمترقبه و طبيعى بروز كند، وظيفه ها و مسئوليت هاى دولت بيش تر مى شود.<sup>۳</sup>

۱. براى اطلاعات بيش تر ر.ك.: شريف القريشى، باقر، *نظام حكومتى و ادارى در اسلام*، ترجمه سلطانى، عباسلى، بنياد پژوهش هاى اسلامى، چ. اول، ۱۳۶۹، ص. ۲۴.

۲. بند ۶ از اصل دوم ق.ا. يکى از پايه هاى نظام را «كرامت و ارزش والائى انسان و آزادى توأم با مسئوليت او در برابر خدا» مى داند.

۳. ر.ك.: رفيعى، عطاء...، *جاىگاه دولت در نظام اقتصادى اسلام*، نشریه «اقتصاد اسلامى»، ش. ۲۸.

براین اساس می‌توان درباره اندازه دولت این‌گونه گفت که؛ «وقتی نظام اقتصادی اسلام با همه اجزا و مبانی‌اش تحقق یابد و مردم در سطح بالایی از ایمان به عقاید و ارزش‌های اسلامی معتقد باشند و دستورها و قوانین شریعت را به‌خودی خود رعایت کنند، روحیه مشارکت و تعاون و ایثار در مردم در اوج آن باشد، کشور اسلامی از ناحیه دشمنان تهدید نشود و حوادث غیرمترقبه چون سیل و زلزله رخ ندهد، نقش دولت به حداقل می‌رسد و قسمت عمده‌ای از بار امنیت اقتصادی، عدالت و توسعه اقتصادی را مردم به دوش می‌کشند و تصدیات دولت به اموری که مردم نمی‌توانند انجام دهند، منحصر می‌شود و مصالح عمومی همراه و سازگار با مصالح افراد حاصل می‌شود و لذا در این موقعیت، دولت از حداقل اندازه خود برخوردار است»<sup>۱</sup>.

وظایفی از دولت اسلامی که با نظریه کالاهای عمومی ارتباط پیدا می‌کند به دو بخش کلی قابل تقسیم است؛ وظایفی که به‌صورت مصداقی و مورد به مورد بیان شده و مورد تأکید قرار گرفته‌اند و همچنین وظایفی که با ارائه یک معیار کلی مورد توجه هستند.

البته شایان گفتن است که در یک تحلیل کلی‌تر و در یک نگاه جامع‌تر، همه این وظایف از یک معیار اساسی و اصلی پیروی می‌کنند که همانا «تسهیل راه‌های عبودیت و بندگی خدا از سوی مردم» است.<sup>۲</sup> با دقت نظر در همه موارد و مصادیقی که به‌عنوان وظیفه دولت بیان شده - از رفع فقر و بی‌سوادی گرفته تا مبارزه و جهاد - معلوم خواهد شد که دولت اسلامی همه‌ی این امور را برای تحقق هدف نهایی و غایی آفرینش عهده‌دار خواهد بود که همانا عبادت پروردگار است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۳</sup>.

از این هدف نهایی و معیار کلی که بگذریم، برای دولت اسلامی درخصوص کالاهای عمومی وظایفی تعریف شده و قابل شناسایی است. یک دسته از این وظایف به‌صورت موردی

۱. همان.

۲. بهتاش، یداً...، صحیفه رستگاری.

۳. سوره مبارکه الذاریات، آیه شریفه ۵۶.

و مصداقی بیان شده است و دسته دیگر، تحت یک معیار و عنوان کلی با نام «حسبه» قرار دارد. در این نوشتار، به بررسی معیار مذکور برای وظایف دولت اسلامی که همان امور حسبیه است، خواهیم پرداخت.

#### ۲-۴ - وظایف دولت اسلامی در قالب حسبه

##### ۱-۲-۴ - بررسی مفهوم حسبه

**- مفهوم لغوی حسبه:** راغب اصفهانی در «معجم المفردات الفاظ القرآن» در توضیح لغت حسبه آورده است: «حسبه اسم است از مصدر احتساب و احتساب به معنای انجام کاری برای خدا و پاداش آن را نزد او اندوختن است. چراکه خداوند هر کار شایسته‌ای را برمی‌شمرد و پاداش می‌دهد و حسبه، اسم آن است که به معنای پاداش و مزد به کار رفته است».<sup>۱</sup>

در معجم الوسیط در ذیل عنوان حسبه آمده است: «الحسبه: حساب، شمردن. فلانُ حسن الحسبه فی الامر یعنی فلانی کارش را از روی تدبیر و هوشیاری انجام می‌دهد. فعله حسبهً یعنی آن را برای پاداش خدایی انجام داد. عمل محتسبی یعنی مراقبت از نرخ کالاها و رعایت آداب و شؤونات که یکی از مناصب حکومتی در دولت‌های اسلامی بوده است»<sup>۲</sup>

علامه شرتونی در اقرب الموارد چنین می‌گوید: «الحسبه مصدر - الاجر و الثواب - و اسم من الاحتساب و هو حسن الحسبه فی الامر ای حسن التدبیر فیه. محتسب البلد مأمور من طرف الوالی اضبط الموازین و نحو ذلك»<sup>۳</sup>

طریحی در مجمع البحرین می‌گوید: «الحسبه بالكسر و هی الاجر» یعنی حسبه به کسر

۱. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق: دارالقلم، ج. اول، ۲۱۴۱، صص. ۲۳۲-۲۳۴.

۲. افرام البستانی، فواد، فرهنگ معجم الوسیط، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات اسلامی، ج. اول، ۲۸۳۱، ج. ۱، ص. ۳۵۹.

۳. الشرتونی اللبانی، سعید خوری، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، قم: دارالاسوه للطباعه والنشر، ج. اول، ۴۷۳۱، ج. ۱، ص. ۱۴۶.

به معنی اجر است و احتساب را همان گونه که ابن اثیر معنا کرده بیان می کند و سپس می گوید:

«و الحسبه الامر بالمعروف و النهی عن المنکر»<sup>۱</sup>

در لسان العرب آمده است: «الحسبه مصدر احتسابك الاجر علی الله... و الاحتساب: طلب الاجر و الاسم: الحسبه بالكسر و هو الاجر... و الاحتساب فی الاعمال الصالحات و عند المكروهات: هو البدار الی طلب الاجر و تحصيله بالتسليم و الصبر او باستعمال انواع البر و القيام بها علی الوجه المرسوم فيها، طلباً للثواب المرجو منها»<sup>۲</sup>

#### مفهوم اصطلاحی حسبه:

برخی از فقهای امامیه مانند شهید اول و ملا محسن فیض کاشانی، عنوان کتاب امر به معروف و نهی از منکر را «کتاب الحسبه» گذاشته اند<sup>۳</sup> و لذا می توان ادعا کرد که مراد از حسبه در نظر این فقیهان، صرفاً امر به معروف و نهی از منکر بوده است.

شیخ انصاری در تعریف امور حسبیه می گوید: «کل معروف علم من الشارع اراده وجوده فی الخارج» یعنی «حسبه عبارت است از امور معروفی که تحقق آن ها در عالم خارج مطلوب شارع است»<sup>۴</sup>.

اما امام خمینی (ره) امور حسبیه را به گونه دیگری تعریف می کنند: «ثم ان الامور الحسبیه - و هی التي علم بعدم رضا الشارع الاقدس باهمالها...»<sup>۵</sup>. بنابراین امور حسبیه از منظر امام خمینی (ره) اموری است که «شارع مقدس راضی به اهمال آن ها نیست» و این امور اعم از

۱. فخرالدین الطریحی، مجمع البحرین، بیروت: مکتبه الهلال، ۹۸۹۱، ج. ۲، ص. ۹۳.
۲. ابن منظور، لسان العرب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج. اول، ۶۱۴۱، ج. ۳، ص. ۱۶۴.
۳. محمدابن جمال الدین مکی عاملی (شهید اول)، الدرر، ج. سنگی، ۱۲۹۶، ج. ۲، ص. ۳۱۲؛ ملامحسن فیض کاشانی، الوافی، تصحیح و حواشی ابوالحسن شعرانی، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۵۷۳۱، ج. ۲، ص. ۶.
۴. انصاری، شیخ مرتضی، المکاسب، قم: نشر مطبوعات دینی، ج. ۲، ۱۳۶۶، ص. ۱۵۴.
۵. خمینی، روح...، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج. ۲، ص. ۶۶۵.

واجب عینی مثل حج، زکات، خمس و مانند اینها و واجب کفایی مانند تشکیل حکومت اسلامی است. با توجه به ملاکی که حضرت امام ارائه داده‌اند (عدم رضایت شارع به اهمال این امور)، می‌توان موضوع امور حسبی را اموری دانست که انجام آن بر حسب مصالح یا ترک آن برای دفع مفسد ضروری تلقی می‌گردد.

### اقسام امور حسبیه:

حضرت امام (ره) در زمینه امور حسبیه می‌فرماید: «ثم ان الامور الحسبیه... ان علم ان لها متصدیا خاصا او عاما فلا كلام و ان ثبت انها کانت منوطه بنظر الامام (ع) فهی ثابتة للفقیه بادلہ الولایه<sup>۱</sup>» بنابراین، به نظر حضرت امام (ره)، امور حسبیه به این سه قسم قابل تقسیم است:

۱- امور حسبیه با متصدی خاص: مثلاً ولایت پدر یا جد پدری بر صغیر و دختر باکره بنا بر قولی، نوعی از ولایت حسبی است که شارع مقدس به جهت مصالحی این امر را به آنان واگذار کرده است. هم‌چنین حضرت امام (ره) قضاوت را از امور حسبیه‌ای می‌دانند که به واسطه دلیل، بر عهده اشخاص و صنف خاصی واگذار شده است.<sup>۲</sup>

۲- امور حسبیه واجب بر هر مکلف (عام): برخی از امور حسبیه هستند که صرف تحقق آن‌ها مورد نظر شارع است و لذا هر شخصی که به تحقق آن‌ها قیام کند موجب سقوط تکلیف از دیگران می‌شود. حضرت امام (ره) در این زمینه می‌فرماید: «پس اگر عقلاً یا به واسطه ادله شرعی احراز شود که فلان شیء مطلقاً محبوب است و نظر شخصی در آن دخیل نمی‌باشد بر هر مکلفی کفایتاً تحقق آن واجب است ولو این که کافر باشد و هنگامی که تحقق یافت از عهده دیگران ساقط می‌شود مانند شخصی که در حال غرق شدن است».<sup>۳</sup>

بنابراین، این دسته از امور حسبیه می‌تواند از طریق شرع و یا عقل احراز شود.

۱. پیشین، ج. ۲، ص. ۶۶۵.

۲. پیشین، ص. ۶۶۶.

۳. پیشین، ص. ۶۷۲.



۳- امور حسبیه حکومتی: حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «اموری نظیر حفظ نظام اسلامی، پاسداری از مرزهای میهن اسلامی، حفظ جوانان مسلمان از گمراهی و انحراف و جلوگیری از تبلیغات ضد اسلامی از روشن‌ترین مصادیق امور حسبه به شمار می‌روند. از طرفی تنها تشکیل یک حکومت عادلانه اسلامی می‌تواند ما را به این اهداف مقدس نایل سازد بنابراین حتی اگر دلایل ولایت فقیه را نادیده بگیریم بی‌تردید قدر مسلم آن است که فقهای عادل بهترین کسانی هستند که می‌توانند عهده‌دار تصدی این امور شوند. بنابراین ناگزیر باید آنان در این امور دخالت نمایند و تشکیل حکومت اسلامی به اذن و نظارت آنان باشد. اگر چنین فقهای در جامعه نبودند و یا قدرت انجام امور را نداشتند، در آن صورت بر تمام مسلمانان عادل واجب است که به انجام این امور اقدام کنند»<sup>۱</sup>.

#### ۲-۲-۴- بررسی کالاهای عمومی در امور حسبیه

بنابر تعریفی که از حسبه به عنوان یک گزاره حکومتی ارائه شد و نیز بنابر نظر حضرت امام خمینی (ره) در باب حسبه، در نهاد حسبه این مؤلفه‌ها و ویژگی‌ها در ارتباط با نظریه کالاهای عمومی به چشم می‌خورد:

الف - امور حسبیه در این معنا اموری واجب هستند چرا که «شارع راضی به اهمال آن‌ها نیست» بنابراین از ویژگی تعطیل‌ناپذیری برخوردارند که بیان شد یکی از ویژگی‌های خدمات عمومی است.

ب - حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «از طرفی تنها تشکیل یک حکومت عادلانه اسلامی می‌تواند ما را به این اهداف مقدس نایل سازد» بنابراین، وظیفه اولیه و ذاتی انجام امور حسبیه بر عهده حکومت و دولت قرار دارد.

ج - مثال‌ها و مصادیقی که حضرت امام (ره) برای امور حسبیه در این معنا بیان کرده‌اند

۱. پیشین، ص. ۶۶۵.

عبارت است از: «اموری نظیر حفظ نظام اسلامی، پاسداری از مرزهای میهن اسلامی، حفظ جوانان مسلمان از گمراهی و انحراف و جلوگیری از تبلیغات ضد اسلامی و...». دقت نظر در این مثال‌ها قرابت زیاد نظریه حسبه را با کالاهای عمومی آشکار می‌سازد.

د - علاوه بر این در کتاب‌های دیگری که درخصوص حسبه نگاشته شده، موارد و مصادیقی از کالاهای عمومی قابل مشاهده و شناسایی است. در این زمینه از باب اختصار تنها به کتاب احکام السلطانیه ماوردی رجوع می‌کنیم.

در باب شانزدهم احکام السلطانیه یا آیین حکمرانی ماوردی درخصوص اماکن عمومی یکی از وظایف حکمرانان را ترمیم خرابی‌های منزلگاه‌های بین راه، حفاظت از آب‌های موجود در آن‌ها و نیز جلوگیری از سکونت دائمی مردمان در آن‌ها دانسته است.<sup>۱</sup>

هم‌چنین در باب بیستم درخصوص امر به معروف بیان می‌کند: «امر به معروف در حق الناس خود دارای دوگونه است: حقوق عمومی مردم و حق اختصاصی افراد. حقوق عمومی مردم از این قبیل است که آب شرب یک آبادی بازایستند، برج و باروی آن خراب شود یا در راه‌ماندگان در آن درآیند و مردم از کمک به آن‌ها خودداری ورزند. در چنین صورتی اگر در بیت‌المال، موجودی‌ای باشد که هزینه کردن آن در این موارد موجب زیان بر مردم نیست، محتسب به تأمین آب شرب مردم، بازسازی برج و بارو و کمک به در راه‌ماندگانی که در آن آبادی در می‌آیند فرمان می‌دهد زیرا این‌گونه موارد از حقوق یا استحقاق‌های لازم بر بیت‌المال است و نه تکلیف مردم. چنانچه مساجد محلات و بازارها یا مسجدهای جامع نیز ویران شده باشد همین‌گونه خواهد بود. اما اگر بیت‌المال دارای چنین موجودی‌ای نباشد، امر به ساختن برج و بارو، تأمین آب آشامیدنی، نوسازی مساجد و تأمین نیازهای در راه‌ماندگانی که به این آبادی

۱. ماوردی، ابوالحسن علی ابن محمد ابن حبیب، *آیین حکمرانی*، ترجمه و تحقیق از حسین صابری، انتشارات علمی و فرهنگی، ج. اول، تهران، ۱۳۸۳، صص. ۳۷۱-۳۸۱.

در می‌آیند متوجه همه ثروتمندان آن آبادی است و به فردی معین اختصاص نخواهد داشت و محتسب نیز حق اجبار آن‌ها را ندارد مگر آن که خرابی آن آبادی و ترک مردم، آن را، موجب زیان به سرحدات دارالاسلام باشد...»<sup>۱</sup>

### نتیجه:

کالاهای عمومی کالاهایی هستند که به‌علت دو ویژگی رقابت‌ناپذیری و استثناپذیری، امکان تولید از سوی بخش خصوصی را ندارند چراکه بنا بر ویژگی رقابت‌ناپذیری، چون مصرف هر فرد از یک کالای عمومی، مانع مصرف افراد دیگر نمی‌شود و به‌عبارتی، اضافه شدن مصرف‌کنندگان جدید، هزینه‌های تولید کالای عمومی را افزایش نمی‌دهد، افراد، این توجیه را دارند که بدون پرداخت هزینه، از این کالاهای عمومی بهره‌مند شوند. هم‌چنین بنا بر ویژگی استثناپذیری، ماهیت کالاهای عمومی به‌گونه‌ای است که امکان تفکیک مصرف‌کنندگانی که هزینه تولید کالا را پرداخته‌اند و مصرف‌کنندگانی که در تأمین هزینه‌های آن نقشی نداشته‌اند وجود ندارد و لذا افراد در صورت تمایل، می‌توانند بدون پرداخت هزینه، از مواهب این کالاها برخوردار شوند.

این دو ویژگی عمده، از مواردی است که اقتصاددانان از آن به‌عنوان «شکست بازار» یاد می‌کنند و مداخله دولت را در این امور، ضروری می‌دانند.

حال اگر این ویژگی‌ها، در کالاهایی باشد که جامعه نیاز مبرم به آن‌ها داشته باشد و برای حیات اجتماعی ضروری باشند، این وظیفه دولت است که به تولید و عرضه این کالاها اقدام نماید و از آنجا که بیان شد بخش خصوصی قادر به تأمین این کالاها نیست، لذا می‌توان ادعا کرد، تولید کالاهای عمومی از جمله وظایف ذاتی و اولیه دولت است و مبین حجم ذاتی و ضروری دولت می‌باشد. چراکه همان‌گونه که بیان شد، تولید کالاهای خصوصی از سوی بخش

۱. ماوردی، همان، صص. ۶۸۴ به بعد.

غير دولتى، نياز جامعه به اين كالاها را مرتفع خواهد كرد و لذا دولت مسئوليت چندانى در قبال توليد كالاهاى خصوصى نخواهد داشت.

با اين توضيح معلوم مى شود كه قرابت زيادى بين امور حسبيه با كالاهاى عمومى به ويژه با تعريفى كه فقهاى شيعه و مخصوصاً حضرت امام خمينى(ره) از حسبه (به عنوان امورى كه شارع مقدس راضى به اهمال آنها نيست) ارائه كرده اند- وجود دارد؛ چه اين كه از صدر اسلام و از اولين حكومت هاى اسلامى، وظيفه محتسبى، امرى بوده كه در حيطه وظيف انحصارى حكومت قرار داشته است و به علاوه، امورى بوده است كه يا به علت ماهيت خاصى كه داشته اند و يا به علت عدم توانايى افراد خصوصى، از عهده نهاد و مرجعى غير از دولت و حكومت بر نمى آمده است.

### منابع و مأخذ

- ۱ - ماوردى، ابوالحسن على ابن محمد ابن حبيب، *آيين حكمرانى*، ترجمه و تحقيق از حسين صابرى، انتشارات علمى و فرهنگى، چ. اول، تهران، ۱۳۸۳.
- ۲ - خمينى، روح ا...، *كتاب البيع*، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، ۱۳۷۹، ج. ۲.
- ۳ - انصارى، شيخ مرتضى، *المكاسب*، قم، نشر مطبوعات دينى، چ. ۲، ۱۳۶۶.
- ۴ - محمدابن جمال الدين مكى عاملى (شهيد اول)، *الدروس*، چ. سنگى، ۱۲۶۹، ج. ۲.
- ۵ - فيض كاشانى، ملامحسن، *الوافى*، تصحيح و حواشى ابوالحسن شعرانى، تهران، كتابفروشى اسلاميه، ۱۳۷۵، ج. ۲.
- ۶ - ابن منظور، *لسان العرب*، بيروت، دارالاحياء التراث العربى، چ. اول، ۱۴۱۶، ج. ۳.
- ۷ - الطريحي، فخرالدين، *مجمع البحرين*، بيروت، مكتبه الهلال، ۱۹۸۹، ج. ۲.
- ۸ - الشرتونى اللبناى، سعيد خورى، *اقرب الموارد فى فصيح العربيه و الشوارد*، قم، دارالاسوه للطباعه والنشر، چ. اول، ۱۳۷۴، ج. اول.
- ۹ - افرام البستاني، فؤاد، *فرهنگ معجم الوسيط*، ترجمه محمد بندر ريگى، تهران، انتشارات اسلامى، چ. اول، ۱۳۸۲، ج. اول.
- ۱۰ - راغب اصفهاني، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، تحقيق صفوان عدنان داوودى، دمشق، دارالقلم، چ. اول، ۱۴۱۲.

- ۱۱ - رفیعی، عطاء...، جایگاه دولت در نظام اقتصادی اسلام، نشریه اقتصاد اسلامی، ش. ۲۸.
- ۱۲ - شریف القریشی، باقر، نظام حکومتی و اداری در اسلام، ترجمه عباسعلی سلطانی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، اول، ۱۳۶۹.
- ۱۳ - منکیو، گریگوری، نظریه اقتصاد خرد، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی، چ. اول، ۱۳۷۸.
- ۱۴ - جیروند، عبدا...، برداشتی از مالیه عمومی جدید، تهران، انتشارات مولوی، چ. ۲، ۱۳۶۸.
- ۱۵ - تایلر، کوئن، کالاهای عمومی، مترجمان: محمدصادق الحسینی، محسن رنجبر، روزنامه دنیای اقتصاد.
- ۱۶ - ارنست اولریش فن وایزشکر و دیگران، محدودیت‌های خصوصی‌سازی، ترجمه محمد صفار، تهران، نشر رسالت (به سفارش سازمان خصوصی سازی)، اول، ۱۳۸۶.
- 17 - [http://en.wikipedia.org/wiki/Public\\_goods](http://en.wikipedia.org/wiki/Public_goods).
- 18 - <http://utec.ut.ac.ir/files/coursedemos/microeconomics.ppt>.
- 19 - Inge Kaul, Isabelle Grunberg and Marc A. Stern, GLOBAL PUBLIC GOODS , Oxford University Press, 1999.
- 19 - Ernesto Zedillo and Tidjane Thiam, International Cooperation in the National Interest, International Task Force on Global Public Goods, Stockholm, Sweden, 2006.
- 20 - Peter J. Burnell, International democracy promotion: a role for public goods Theory, 2008, <http://dx.doi.org>.

